

رشد اقتصادی و بخشودگی دیون

برای برخی از کشورهای توسعه یافته، مسئله بخشودگی دیون کشورهای فقیر، به مسئله‌ای سیاسی تبدیل شده است. در این کشورها، از سیاستمداران وابسته به احزاب مختلف گرفته تا ستارگان هنری، همه و همه از فشار سنگین دیون خارجی بر کشورهای فقیر سخن می‌گویند. این محافل، در عین حال اذعان می‌دارند که بخش اعظم این دیون، به هرز رفته و به جیب دیکتاتورهای فاسدی سرازیر شده که این پول‌ها را در حساب‌های بانکی خویش در سوئیس ذخیره نموده‌اند. معهذ، این حقیقت که کشورهای مقروض از رشد اقتصادی کافی برخوردار نیستند، ضرورت بخشودگی دیون این کشورها را برجسته ساخته است.

در حال حاضر، چندین پیشنهاد عمده در رابطه با بخشودگی دیون کشورهای بسیار مقروض مطرح است اما، اعتبار دهندگان بین‌المللی هنوز درباره هیچ‌یک از این پیشنهادات به توافق نرسیده‌اند. آنچه در همه این پیشنهادات مشترک است این است که به همه کشورهای مقروض به یک چشم می‌نگرد و همه آنها را در یک مقوله دسته‌بندی می‌کند. این کلنگری تا چه حد به نفع کشورهای فقیر است؟ نویسنده سعی می‌کند در این نوشتار، رتوس کلی یک طرح بخشودگی دیون را ترسیم نماید.

افزایش اعتبارات یا بخشودگی

دیون؟

کشور فقیری را تصور کنید که مجبور است در سال مالی جاری یکصد میلیون دلار بابت اقساط وام‌های خارجی خود بپردازد.

فرض کنید کل عایدات خارجی این کشور در دوره مزبور، ۵۰ میلیون دلار باشد و به منابع دیگری نیز دسترسی نداشته باشد. بدیهی است که در این حالت، کشور مزبور از بازپرداخت دیون خود عاجز می‌ماند. اکنون، سه پیشنهاد مطرح در این زمینه را مورد بررسی قرار می‌دهیم: اول، طلبکاران خارجی قروض این کشور را نمی‌بخشند اما، ۱۲۰ میلیون دلار اعتبار اضافی در اختیار او قرار می‌دهند. دوم، طلبکاران خارجی، دیون کشور مزبور را به ۵۰ میلیون دلار کاهش



می‌دهند اما، هیچ اعتبار جدیدی در اختیار او قرار نمی‌دهند. سوم، طلبکاران، تمامی قروض کشور فوق را می‌بخشند اما، دیگر به او وام نمی‌دهند. کدامیک از این روش‌ها به سود کشورهای فقیر است؟

حال یک بار دیگر فرض کنید که کشور مقروض به بازار خصوصی سرمایه دسترسی نداشته باشد. در این حالت، پاسخ سؤال فوق بدیهی به نظر می‌رسد: بخشش کامل دیون به مراتب بهتر از بخشش نیمی از

دیون و کاملاً بهتر از دریافت وام جدید است. معهذ، اگر به مسئله از زاویه منابع در دسترس کشور مزبور طی دوره‌های خاص بنگریم، به کارگیری روش اول به معنی جذب ۷۰ میلیون دلار اعتبار جدید است (۱۲۰ میلیون دلار وام جدید به اضافه ۵۰ میلیون دلار درآمد ارزی، که از این مقدار، یکصد میلیون دلار به بازپرداخت اقساط دیون اختصاص می‌یابد). در روش دوم، هیچ اعتبار جدیدی دست کشور مقروض را نمی‌گیرد ضمن اینکه در روش سوم، فقط ۵۰ میلیون دلار دست این کشور را می‌گیرد. آنچه برای کشورهای فقیر در درجه اول اهمیت قرار دارد دسترسی به منابع جدید در یک دوره مالی است. از این دیدگاه، بهترین روش برای این کشورها روش اول است که هیچ‌گونه بخشودگی به همراه ندارد. مسئله این است که اگر قرار باشد اعتبار دهندگان خارجی با یک دست جمع کنند (اقساط دیون واگذار شده) و با دست دیگر واگذاری نمایند (وام‌های جدید)، این سیاست در کوتاه‌مدت، به نفع کشورهای فقیر است و برای ایشان از بخشش دیون به مراتب بهتر می‌باشد. اگر بخشش دیون موجب کاهش دسترسی کشوری به منابع خارجی گردد، می‌تواند بحران‌زا باشد. البته، در بلندمدت، با عدم بخشودگی دیون کشورهای مقرب، به هر روز بر حجم این دیون افزوده می‌گردد که ممکن است گسستگی در توسعه پایدار این کشورها را موجب شود. در هر یک از سه روش فوق، کشور مقروض دوره مالی را با ۱۲۰ میلیون دلار، ۵۰ میلیون دلار و صفر دلار منابع اضافی سپری می‌کند. اما حجم بالا یا

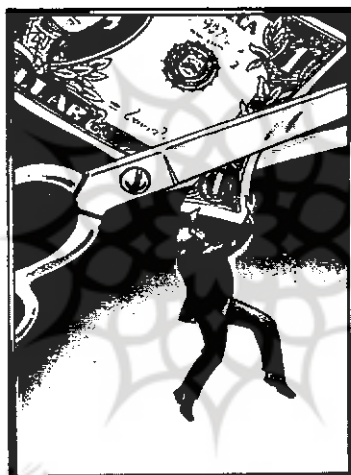
ناپایداری دیون معضلی است که می‌تواند رشد اقتصادی کشورها را مختل کند. بگذارید قدری بیشتر به این مسئله بپردازیم. سنگین شدن بار دیون، برای رشد اقتصادی کشورها زیان‌آور است زیرا خطر بحران مالی و بیثباتی اقتصادی را افزایش می‌دهد. وقتی طلبکاران بر بازپرداخت بی‌کم و کاست دیون پافشاری نمایند، چه بسا موجب ورشکستگی بانک‌ها و بنگاه‌های متعدد اقتصادی گردند. اما، اگر طلبکاران، با کشورهای گرفتار کنار بیایند و دیون آنها را قسط‌بندی مجدد کنند، اقتصاد کشورهای مقروض دچار بحران نخواهد شد. دلیل دیگر برای زیان‌بار بودن دیون سنگین کشورها، معضل تردید سرمایه‌گذاران است. وقتی کشوری دیون سنگین عقب‌افتاده داشته باشد دیگر جذابیتی برای سرمایه‌گذاران خارجی ندارد. آنها از این بیم دارند که کشور مزبور، نهایتاً مجبور شود برای بازپرداخت دیون خود، نرخ مالیات‌ها را افزایش دهد. بنابراین، افزایش دیون به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و مختل شدن رشد اقتصادی منجر می‌گردد و احیای مجدد نرخ رشد اقتصادی مستلزم کاهش دیون خارجی می‌باشد. بدین ترتیب یک دور باطل آغاز می‌شود.

نقش بخشودگی دیون

نمی‌توان گفت که بخشودگی دیون، همیشه و در همه شرایط، نفعی برای کشورهای فقیر ندارد. بخشودگی دیون، حداقل به صرفه‌جویی منابعی می‌انجامد که باید صرف بازپرداخت اقساط دیون گردد. از سوی دیگر با بخشودگی دیون، واگذاری اعتبارات خارجی جدید، مشروط به شرایطی می‌گردد که اعتباردهندگان عمده، با هماهنگی یکدیگر وضع و اعمال می‌نمایند. بخشودگی دیون رسمی، به کشورهای فقیر اجازه می‌دهد به بازارهای خصوصی سرمایه دست پیدا کنند. سرمایه‌گذاران خصوصی، به سرمایه‌گذاری در کشورهای بسیار مقروض تمایلی ندارند. لذا، اگر دیون رسمی این کشورها بخشوده شود، فضا برای سرمایه‌گذاری‌های

خصوصی خارجی آماده می‌شود.

آیا در این صورت، استقراض از بازارهای خصوصی سرمایه به نفع کشورهای فقیر است؟ پاسخ به این سؤال، به میزان بخشودگی دیون رسمی، ماهیت دولت دریافت‌کننده و چگونگی استفاده از اعتبارات دریافتی (جهت طرح‌های تجاری یا اجتماعی) بستگی دارد. بدیهی است که اگر بخش عمده دیون رسمی یک کشور بخشوده شود، بخش خصوصی با آرامش خاطر بیشتری به واگذاری اعتبار می‌پردازد. از سوی دیگر، اگر دولت دریافت‌کننده، بی‌کفایت باشد، ممکن است اعتبارات دریافتی را صرف پروژه‌های بی‌ارزش نموده و یا آن را حیف‌ومیل نماید. در این صورت، طرف‌های خارجی ممکن است دچار



«خستگی ناشی از بخشش دیون» شوند و واگذاری اعتبارات آینده را متوقف کنند. می‌توان بخشش جزئی دیون را به کارآمدی پروژه‌ها و بازده آنها، مشروط کرد.

البته، اگر پروژه‌های اجرایی، بازده اجتماعی داشته باشند، بخش خصوصی تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری نخواهد داشت و در اینجا باید از اعتبارات رسمی استفاده کرد.

شرایط مختلف، رویکردهای متفاوت

بگذارید منطق حاکم بر این نوشتار را یک بار دیگر خلاصه کنیم. اگر یک کشور فقیر به بازارهای خصوصی سرمایه دسترسی نداشته باشد و جو سرمایه‌گذاری در این کشور نیز چندان مطلوب نباشد، به

نظر نمی‌رسد که سنگین شدن بار دیون، تأثیر چشمگیری بر سیستم مالی و اقتصادی این کشور داشته باشد. لذا، بخشودگی دیون در این مورد بی‌معناست. بخشودگی دیون فقط هنگامی کارساز و موجه است که دسترسی به بازارهای خصوصی سرمایه را تسهیل نماید. بنابراین، با توجه به شرایط خاص هر کشور، هر یک از سه روش پیش گفته می‌تواند بر دیگر روش‌ها مزیت پیدا کند.

اگر فساد در ارکان دولتی ریشه دوانده باشد حفظ وضع موجود (یعنی عدم بخشودگی و عدم واگذاری اعتبارات جدید) بهترین گزینه است زیرا به دولت امکان حیف‌ومیل بیشتر منابع را نمی‌دهد. در این حالت، باید اعتبارات در اختیار سازمان‌های غیردولتی قرار گیرد. اگر دولت حاکم، دولتی مسئول باشد، قبل از هر چیز باید نیازهای اولیه کشور مورد توجه قرار گیرد. اگر طرح‌های اجتماعی در صدر این لیست قرار داشته باشد، مشارکت بخش رسمی اهمیت می‌یابد. در این حالت، روش اول (عدم بخشودگی دیون به موازات دریافت اعتبارات جدید) بهترین گزینه است. اما، اگر پروژه‌های تجاری مدنظر باشد، روش دوم (بخشش جزئی دیون) کارساز است و بالاخره بخشش کامل دیون، فقط هنگامی مجاز است که خطر هرج و مرج مالی و بیثباتی عمومی، کل اقتصاد کشور را تهدید کند.

در حال حاضر، گرایش عمومی کشورهای توسعه‌یافته متوجه قائل شدن برخی امتیازات برای کشورهای فقیر است. اما، تعداد کشورهای در حال توسعه‌ای که در مقولات طراحی شده برای این امتیازات می‌گنجد بسیار معدود است. لذا، لازم است در این طرح‌ها، تجدیدنظر صورت گیرد. کلی نگرانی به دیون کشورهای فقیر، اگرچه ممکن است از نظر سیاسی توجیه‌پذیر باشد اما، عملاً به سود کشورهای مقروض جهان نیست. البته، هر چه این طرح‌ها شفاف‌تر باشد و سریع‌تر عملی شود، بیشتر به نفع کشورهای فقیر جهان است.